

تئاتر در لهستان توده‌ای

در موقع اشغال کشور از طرف هیتلریها تئاتر لهستان چه از لحاظ انسانی و چه از لحاظ مادی تلفات و خسارات سنگینی دید - ۳۲۲ بازیگر و ۱۴۰ تکنیسین تئاتر در بازداشتگاهها و زندانها بهلاکت رسیدند - بعلاوه در نتیجه مشقات جنگ و بازداشتگاهها هنریشکان عالی‌مقامی مانند «سنگان یاراج» بزرگترین بازیگر در مدت ۲۰ سال بین دو جنگ، و «پولیوش اوستروا» - «وجد تئاتر» در دو تئاتر زندگی را بدرود گفتند.

خسارات مادی وارده بر تئاترهای لهستان به ۵۲ میلیون زلوتی بیش از جنگ بالغ میکشت (از حیث ابنیه - دکوراسیون و لباس و غیره) - مجموعه‌های کتب کرا آنها در رشته علم تئاتر نیز بینما رفته بود .
همین که جنگ بی پایان رسید دولت لهستان در وضع اقتصادی بینهایت دشوار بمرمان تئاتر پرداخت

وظیفه بسیار بزرگی در برابر تئاتر لهستان توده‌ای بخصوص از لحاظ جبران چند قرن عقب ماندگی در نشر فرهنگ نمایش و همچنین در قسمت مهم پرورش انسان نوین قرار داشت تئاتر در ایجاد زندگی جدید حامل مهمی میگردد

برای برآوردن این خواستها بیایستی در تئاتر تغییرات اساسی چه از لحاظ هنری و چه از لحاظ سازمان بعمل می‌آید - از نوسازی ابنیه تئاترها و سپس ملی کردن تئاتر شروع شد و در نتیجه توسعه امکانات هنری و تثبیت دستجات نمایش میسر گردید - و این دستجات دیگر از تبعیت « صندوق در آمد » تئاترها بیرون آمدند .

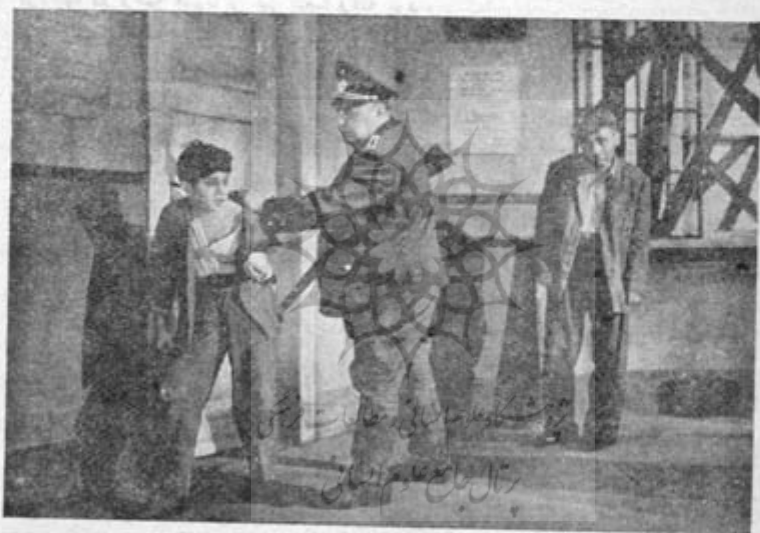
عده تماشاخانه‌ها از ۲۶ دستگاه (طبق آمار سال ۱۹۳۶) به ۸۶ دستگاه افزایش یافت و در عین حال عده تماشاچیان نیز بعدی زیاد شد که در لهستان هرگز سابقه نداشت - پیش از آن کلیه تئاترهای لهستان با آنکه جمعیت متراکم تر بود حتی سه میلیون تماشاچی هم نداشتند ولی در پایان سال ۱۹۴۹ عده آنان به ۷۵۰۸۶۳۱ و در آخر سال ۱۹۵۰ به ۹۱۹۵۹۳۸ نفر میرسد .
تا حد قابل ملاحظه‌ای تئاترهای سیار که به قصاب و دهات فاقد تئاترهای دائمی میرفتند باعث ترویج این هنر گردیدند .

تئاترهای آماتور و محافل هنری کانونهای فرهنگی نیز توسعه یافتند . شبکه مهمی از تئاتر برای کودکان و جوانان بسرعت پیداشد و از بی آن تا ترخیه شب‌بازی با شکفتگی فراوانی از لحاظ پایه هنری بسط یافت .

از همان سال ۱۹۴۸ مسئله ایجاد کادرهای جوان پیش‌آمد . بسدین جهت آموزشگاه عالی نمایش در «لوج» (با قسمتهای جهت تهیه بازیگر و کارگردان و

در امانتورژ) تاسیس شد که بعداً به ورشو انتقال یافت و پس از آن دو آموزشگاه
 هالی جهت بازیگران در «لوج» و در «کراکوی» بوجود آمد.
 اکنون در لهستان چهار دبستان و سه دبیرستان رقص - يك دبیرستان جهت
 تکنيسين های تآتر و يك آموزشگاه دراماتيك برای نمایش شيمه شب بسازی موجود
 است - شبانه روزبهائی در جنب این آموزشگاهها تاسیس شده که در آنها جوانان
 میتوانند خود را برای این حرفه اجتماعی پر مسئولیت یعنی هنرپيشگی و کارگردانی
 آماده سازند .

برنامه های نمایش - «در برنوار» - در طی نخستین سالهای پس از جنگ تآترها
 به برنامه های کلاسیک و بخصوص لهستانی متوسل میشدند - در این موقع ناپشنامه
 های موسوم به «اهالی کواکوی و کوهستانها» اثر «بوکوسلاوسکی» با تلفیق
 هنری آن بتوسط «لئون شیلر» و اخلاق مادام دولسکا و «زابونیا» و «آن چهار
 نفر» اثر «زابلسکا» و همچنین کمیدی های «فره درو» و «پزه بنسکی» موفقیت شایانی
 کس کردند .



يك صحنه از پرده دوم نمایش «آلمانها» - نویسنده پیس لئون کروچکوفسکی

در سالهای ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷ وزارت فرهنگ و هنر فستیوال شکسپیر را ترتیب
 داد که در آن ۱۳ تآتر مهم شرکت جستند . در همین حال تآتر لهستان برای بیدایش
 يك هنر دراماتيك لهستانی معاصر مبارزه کرد . معروفترین درام نویس کنونی
 لهستان «لئون کروچکوفسکی» میباشد که ناپشنامه های او موسوم به «تلافها»
 و سپس «آلمانها» که بچندین زبان خارجی ترجمه شده بمنزله مرحله نویسی در توسعه
 درام نویسی لهستان است .

يك سلسله کنفرانسهای ادبی نیز داده شد که در طی آنها هنر دراماتیک از لحاظ انتقاد تجزیه و تحلیل شد. وزارت فرهنگ و هنر برای ایجاد يك اثر دراماتیک درباره يك موضوع معاصر مسابقه ای ترتیب داد.

در زندگانی تاتری یکی از وقایع مهم فستیوال تآتر روس و شوروی بود که در آن ۵۷ تآتر حرفه ای و ۳۰۰۰ محفل دراماتیک کانونهای فرهنگی شرکت کردند. جایزه های فستیوال را نمایشهای ذیل دریافت کردند: «پورژواها» و «ایباق» اثر کورکی و «لوپوف یاروویا» اثر «تره نی اوف» و «اخلاق موسکوی» بقلم «سوفرنف».



دروسکهای خیمه شب بازی - تهیه کننده جمعیت حمایت کودکان در لهستان

در مسابقه جهت يك درام معاصر که در سال ۱۹۵۰ ترتیب داده شد ۵۷ نفر از نویسندگان چه از نسل پیر و چه از نسل جوان شرکت جستند از قبیل «ایواشکی به و بیچ» و «مورستین» و «روسی یک» و همچنین مبتدیان جوان در فستیوال درام معاصر که در سال ۱۹۵۱ تشکیل گردید نمایشنامه «آدام تارن» موسوم به «یک موضوع معمولی» و نمایشنامه «وادمینسکی» بنام «پیروزیها» جوایز را بردند.

بشردوستی عمیق و همچنین سطح عالی ایده تئولوژیک و ایمان بانسان این دو اثر را مشخص میگرداند. يك شکل کامل با مستوی عمیق و اصیل باید در درام جدید توأم باشد بدین جهت مبارزه درباره کیفیت درام معاصر ادامه دارد.

علاوه بر درام معاصر، لهستان مقام مهمی در برنامه های تاتری کشور بکلاسیک

های لهستان (از قبیل سلواتسکی و درروسکی) و بکلاسیکهای روس و شوروی (مانند کورکول و چخوف و اوسترووسکی و کریپایدوف و کورکی) و بکلاسیک های غربی (از قبیل شکسپیر و مولیر و لوب دووه کا و شیلر و برنادشاو) اختصاص داده شده است .

یافته نیست که از او پراهم ذکری بیان آید : در این قسمت هم علیه صحنه سازی و بازی مصنوعی مبارزه میشود - صحنه سازی لئون شیلر در او برای « هالکا » اثر « مویشکو » که در خارج از لهستان یعنی در شوروی و در چکوسلواکی و مجارستان نیز نمایش داده شده و همچنین صحنه سازی « هارنازی » اثر « شانائوسکی » موفقیت شایانی محسوب میشوند .

درفن تأثر لهستان اکنون کارگردانان و بازیگران و صحنه سازهای بسیار شایسته و فراوانی وجود دارند - عالیترین کارگردانان فعلا (لئون شیلر و بوهدان و کوزه بی یوسکی و اروین آکتر و برونیلا دامبروسکی و ادموند و بی برچلیسکی و ویلیام هوژه تسا) میباشد .

مهمترین بازیگران عبارتند از : (لودویک سرلسکی و یان کورناکوویچ و یانک و و شچروویچ و ولادیسلا و کراسنویتسکی و ماریان و دژه کووسکی و یانینا رومانوونا و سوری نا و برونی شوونا و الزی بتا و سکا وینا اندرچ و آلسکاندوئل و مروویچ و برژ لچه نسکی و یان کره چمار) و غیره - عالیترین صحنه سازان : ولادیسلا و داشه و سکی و یان کوشینسکی و آندژی پروشکو و زیگنی یف پروناشکو و اندژی بره بیچ میباشد .

مشهورترین تأثرها عبارتند از : تأثر دولتی لهستان و تأثر کاموانی در ورشو و تأثر ملی دوستی و تأثر ملی معاصر و تأثر دولتی در « لوج » و تأثر دولتی سلوواتسکی در « کراکوی »

کارگردانان و بازیگران بطور خستگی ناپذیر برای غنی ساختن معلومات خود میکوشند زیرا که طریقه رئالیسم سوسیالیستی مستلزم مطالعات جدی است .

در تکمیل هنر صحنه سازی جمعیت لهستانی هنرپیشگان تئاتر و فیلم که سفیران آنها و مجالس مناقره شبانه و آموزشگاهها برای تأثر ترتیب میدهد نقش بزرگی را بازی می کند - در عین حال قسمت نمایش که در کادر انستیتوی دولتی هنر تاسیس گشته ، تبعات علمی خود را در باره تاریخ تئاتر لهستان و تأثر بطور کلی ادامه داده بدین ترتیب علم نمایش لهستانی را پی ریزی میکند .

مجله تئاتر

حاوی آخرین اطلاعات درباره تئاتر مترقی جهان برای

شعبه مطبوعات خارجی بنگاه سپهر می رسد .

سمفونی هشتم شوپرت

(سمفونی ناتمام)

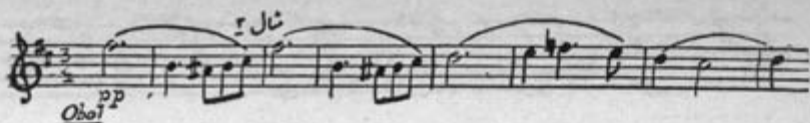
از نظر «Forme» معمولاً سمفونی در چهار قسمت و بعضی اوقات در پنج قسمت نوشته میشود و علت «ناتمام نامیده شدن» سمفونی شوپرت آنستکه از دو قسمت و چندمیزان از قسمت سوم تجاوز نکرده است. بعضی ها معتقدند که مرکه شوپرت باعث قطع ادامه این اثر شد ولی این نظر صحیح نیست چه که مصنف تا شش سال پس از نوشتن این دو قسمت زنده بود حتی کارهای دیگری را در عرض این مدت پایان رسانده عقیده دیگر که کمی به حقیقت نزدیکتر است اینستکه در زمان تصنیف این سمفونی مسابقه ای در انجمن موسیقی گراز (Graz) ترتیب داده شده بود و چون مهلت برای مسابقه کم بود شوپرت قبل از اتمام سمفونیش آنرا برای انجمن فرستاد. معلوم نیست بچه علت این سمفونی در بین راه مفقود شد و قطع سی سال بعد از فوت نصف نوتهای سمفونی هشتم در یکی از پرونده های بایگانی شده شهرداری بدست آمد؛ این اثر در زمان حیات شوپرت نیز اجرا نگشت

سمفونی هشتم شوپرت اثر مقدماتی برای شاگردانیکه بخواهند شوپرت شناس بشوند مسلماً اگر کسی بخواهد قدمی چند در راه شوپرت شناسی بگذارد ناچار از شنیدن عبق این سمفونی و حتی تجزیه نوت بنوت آنست بطوریکه کاملاً بتوان بکار اکثر مصنفین برسد. ملودیهایی زیبا - آنقدر زیبا و جذاب که تکرار چندین مرتبه يك ملودی شنوندگان را بهیچوجه خسته نمیکند و با اینکه اثریست کاملاً در خود فهم مبتدیان موسیقی؛ از لحاظ قدرت جزو آثار بزرگ موسیقی محسوب شده است.

قسمت اول (First movement: Allegro moderato) در سی مینور
ابتدای کار با يك ملودی سنگین و بهت آور آغاز میشود:



ملودی آنقدر با عظمت و با ابهت است که ما را بیاد ازلیت و ابدیت میاندازد. شنونده از خود میبرد «معنای این جمله چیست؟» بعد از این چه خواهد شد؟ و متوجه نیست که ویولنهای مشغول تهیه زمینه برای يك ملودی دومی هستند که توسط هبوا کلارینت اجرا میگردد:



و بولونها بکار خود مشغولند ملودی بالا نیز چند مرتبه تکرار میگردد و کسی بسط پیدا میکند بک آکور مطبوع باین وضع اخاتمه میدهد باسون و کرمیدان را خالی نمیکنند تا کلدونیت و ویلون آلتوریتیم جدیدی را تأمین کنند و پس از دو میزان و بولنسل زیباترین ملودی موومان اول را هبده دار میگردد:



بلا فاصله و بولونها دنباله کار را میگیرند و ملودی را که با قدرت اصلی نمایانده میشود تکرار میکنند. در اینجا یک سکوت کامل بنظر میرسد این سکوت بسیار باور نکردنی و غیرمنتظره است که در این حال جنبه رمانتیک اثر را بسیار قویتر میکند.

موومان اول تا چهل میزان ازین بعد صرف وادریاسیون تم میگردد. که زیباترین آن وقت است که سازهای زهی یکدیگر را در باره یکی از فرازهای تم تأیید میکنند. آکورهای محکم و روماتیک حالت فعالیت بیوسیقی میدهد و ازین پس تا جاییکه ملودی دوم: (مثال ۲)

تکرار میشود فقط اتصال آکورها و اجرای آنها جالب توجه است و پس از شنواندن ملودی دوم دوباره بسراغ وادریاسیون تم اصلی میروود بی مناسب نیست که بگویم ملودی تم و وادریاسیونهای آن بنحو خسته کننده ای تکرار میگردد و اصولاً این یکی از خصایس شوهرت است تکرار اولی. باید بجزرت گفت که تکرار این ملودوها بدلالی که ذکرش بسیار باعث تطویل کلام است بهیچوجه اثر را ضعیف نمیکند پیش از تکرار ملودی - ملودی عجیب و بیست آواز اولی (اولین جمله موومان) صدای قدمهای مظهر عظمت را مجسم میکند. و بولونها در جواب تم شیون میکنند و این ستوال و جواب بسیار اثر بخش و زیباست

در انتهای موومان اول یکبار دیگر اولین جمله تکرار میگردد و پس از چند میزان و چند آکور موومان پایان میرسد.

قسمت دوم (Second Movement : Andant con moto) در

می مازور

اولین نوتهای موومان مردم توسط کنترباس (Pizz) اجرا میگردد منظره آخرین قدمهای محکم و خستگی ناپذیر انسانی را مجسم میکند که سالهاست در راه مقصود گام برداشته است و بلافاصله پس از اتمام قدمها بنظور میرسد ا مدولاسیون این موومان نسبت به مودمان اول تأثیر اینمعنی را زیادتیر کرده است

شال ۳

pp

Orchestra

هدف بصورت يك ملودی زیبا مجسم می‌گردد که بعد از جای تم را می‌گیرد و در بعضی تکرارها همیشه خاطره آخرین کوششها و قدمهای طالب مقصود تجسم پیدا میکند.

بطور مسلم مومنان دوم خیلی زیباتر از مومنان اول است و جای تأسف اینکه اختصار نوشته بما اجازه ندهد که بیش ازین از ملودیهای زیبای مومنان در اینجا نقل کنیم و فقط بدکر این یکی اکتفا میشود :

شاله

Viol. I

Cor

Viol. II

(برای در نظر گرفتن صدای Cor در مثال بالا باید آنرا يك سوم بزرگ

از : پ

بیلا انتقال داد)

دوستان « کبوتر صلح »

در شماره گذشته خوانندگان ثابت قدم مجله را دعوت کردیم که بعنوان دوستان « کبوتر صلح » نمایندگی مجله را در شهرستانها بعهده بگیرند .

وظیفه این دوستان آنستکه با مدیر مجله مکاتبه منظم داشته باشند ، در فروش و توزیع مجله نظارت کنند و ما را در جمع آوری فولکلور شهرستانها یاری دهند .

تاکنون از شهرستانهای کرمانشاه و رشت و شیراز جوابهایی ما رسیده است در انتظار پاسخ شهرستانهای دیگر هستیم .